

ایران و اسرائیل؛ فراتر از دشمن مشترک

از حافظه کوروش و همزیستی ایرانی-یهودی تا سکولار دموکراسی، توسعه و پیمان
کوروش

دکتر پیمان بخشایش | جراح تروما

MD, PhD, MBA

نسخه تکمیل شده: ۶ اکتبر ۲۰۲۶ | نگارش اولیه: ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۶

چکیده

آیا نزدیکی ایرانیان خواهان گذار از جمهوری اسلامی به اسرائیل، صرفاً حاصل دشمنی با یک حکومت مشترک است؟ این مقاله استدلال می‌کند که چنین توضیحی، اگرچه بخشی از همگرایی امنیتی را روشن می‌سازد، برای فهم ظرفیت رابطه آینده کافی نیست. بنیان‌های عمیق‌تر این رابطه را باید در حافظه تاریخی مرتبط با کوروش، حضور دیرپای یهودیان در جامعه ایرانی، تجربه همکاری در دوران پهلوی، ضرورت دفاع از آزادی وجدان و امکان پیوند اقتصادهای مکمل جست‌وجو کرد. در این چارچوب، دوستی با اسرائیل نه کتاره‌گیری از استقلال ایران، بلکه می‌تواند بخشی از بازتعریف منافع ملی بر پایه صلح، توسعه و شهروندی برابر باشد. مقاله همچنین بر ضرورت بازنگری سیاست‌های غرب در قبال اسلام‌گرایی اقتدارگرا و تبدیل حمایت از حقوق ایرانیان به تعهدی پایدار تأکید می‌کند. «پیمان کوروش» در این بحث، چشم‌اندازی پیشنهادی برای گسترش منطق همزیستی پیمان‌های ابراهیم است: مشارکتی میان ایران آزاد، اسرائیل و آمریکا که به روی همسایگان و دیگر جوامع منطقه گشوده باشد. تحقق این چشم‌انداز به اراده مردم ایران، نهادهای پاسخ‌گو و برنامه‌های عملی همکاری نیاز دارد؛ تاریخ، سرمایه آغاز این راه است، نه جانشین ساختن آن. نسخه تکمیلی، این استدلال را با نقشه راهی مرحله‌ای، اصول نظارت دموکراتیک و بررسی خطرهای وابستگی، تبعیض و شکست اعتماد به برنامه‌ای قابل بحث تبدیل می‌کند.

واژگان کلیدی: ایران و اسرائیل؛ کوروش بزرگ؛ یهودیان ایران؛ سکولاردموکراسی؛ سیاست خارجی؛ پیمان ابراهیم؛ پیمان کوروش

روش و دامنه مقاله

این نوشتار یک مرور روایی و تحلیل تاریخی-سیاستی است، نه پژوهش تجربی یا مرور نظام‌مند. مباحث تاریخی بر دانشنامه‌های تخصصی، پژوهش دانشگاهی و اسناد موزه‌ای؛ بحث معاصر بر گزارش‌های نهادهای و اسناد رسمی؛ و معرفی پیمان کوروش بر بیانیه صاحب پیشنهاد استوار است. روایت دینی، رخداد تاریخی و توصیه سیاسی در جایگاه‌های متمایز خود به کار می‌روند. موضع هنجاری مقاله، حمایت از گذار به سکولاردموکراسی و رابطه مسالمت‌آمیز ایران و اسرائیل است؛ این موضع به معنای ادعای اجماع تمام ایرانیان یا یهودیان نیست. منابع و ادعاهای اصلی در ۶ اکتبر ۲۰۲۶ بازبینی شده‌اند. بخش‌های مربوط به نقشه راه و طراحی نهادها، پیشنهاد تحلیلی نویسنده‌اند و نباید آنها را برنامه‌ای مصوب، پیش‌بینی قطعی یا تعهد دولت‌های مورد بحث تلقی کرد.

۰۱ پرسش اصلی: دوستی برای مقابله، یا همکاری برای ساختن؟

«دشمنِ دشمنِ من، دوستِ من است» قاعده‌ای برای توضیح نزدیکی‌های موقت است، نه بنیانی کافی برای یک رابطه پایدار. اگر تمام علت دوستی، حضور دشمنی مشترک باشد، با حذف آن دشمن، منطق رابطه نیز تضعیف می‌شود. پرسش جدی درباره ایران و اسرائیل، بنابراین، این نیست که آیا مخالفت با جمهوری اسلامی می‌تواند آنها را به یکدیگر نزدیک کند؛ پرسش مهم‌تر آن است که پس از پایان این حکومت، چه چیزی دو جامعه را به ادامه همکاری ترغیب خواهد کرد؟ پاسخ پیشنهادی این مقاله روشن است: حافظه مشترک، احترام متقابل، آزادی و منفعت توسعه‌ای.

برای ایرانیانی که آینده کشور را در سکولاردموکراسی می‌بینند، سیاست خارجی باید امتداد حق انتخاب مردم باشد. آنان نباید به دلیل مرزبندی حکومت با یک کشور، از حق دوستی با مردمان آن محروم شوند. ایران متعلق به یک دستگاه ایدئولوژیک نیست و روابط خارجی آن نیز نباید گروگان دشمنی‌های دائمی بماند. از این منظر، عادی‌سازی رابطه با اسرائیل بخشی از پروژه‌ای بزرگ‌تر است: بازگرداندن اختیار تعریف دوست، شریک و منفعت ملی به شهروندان و نهادهای منتخب آنان.

لازم است میان سه سطح تمایز بگذاریم: رابطه ایرانیان با یهودیان، رابطه شهروندان ایران با شهروندان اسرائیل، و رابطه دو دولت. این سطوح یکسان نیستند، اما می‌توانند یکدیگر را تقویت کنند. حضور یهودیان ایرانی، خود نشان می‌دهد که «ایرانی» و «یهودی» دو هویت متقابل نیستند. مطالعه این جامعه در دانشنامه ایرانیکا از پیوندی دیرپا در زندگی فرهنگی و اجتماعی ایران حکایت دارد. بنابراین، رابطه مورد بحث فقط ملاقات دو دولت در یک موقعیت امنیتی نیست؛ بخشی از آن، پیوند میان شاخه‌های یک تجربه زیسته مشترک است. [۱]

۰۲ کوروش: یک حافظه تاریخی با ظرفیت سیاسی امروز

کوروش بزرگ در سال ۵۳۹ پیش از میلاد بابل را فتح کرد. در روایت کتاب عزرا، فرمان او به تبعیدیان یهودی امکان بازگشت به اورشلیم و بازسازی معبد را می‌دهد. استوانه کوروش نیز در چارچوب زبان و سنت سیاسی بابلی، از بازگرداندن پیکره‌های خدایان و گروه‌هایی از جابه‌جاشدگان و احیای پرستشگاه‌ها سخن می‌گوید. برای دقت تاریخی، استناد مشخص به بازگشت یهودیان از متن عزرا می‌آید؛ خود استوانه نام یهودیان را ذکر نمی‌کند. اهمیت این مجموعه شواهد در گشودن راه بازسازی حیات دینی و اجتماعی جمعیت‌های مغلوب است. [۲، ۳]

مفهوم امروزی شهروندی برابر را نمی‌توان بی‌واسطه به نظام امپراتوری باستان منتقل کرد؛ باین حال، تجربه کوروش می‌تواند برای اندیشه سیاسی امروز الهام‌بخش باشد. در این خوانش، قدرت الزاماً برای یکسان‌سازی عقیده و تحقیر دیگری به کار نمی‌رود؛ می‌تواند امکان زندگی و بازسازی را فراهم سازد. از همین جا می‌توان میان میراث تاریخی و برنامه معاصر پی زد: وفاداری به نام کوروش زمانی معنا پیدا می‌کند که آزادی وجدان، امنیت اقلیت‌ها و احترام به تفاوت‌ها به نهاد و قانون تبدیل شود.

ارزش سیاسی این حافظه، در ساختن افسانه‌ای از دوستی بی‌وقفه نیست؛ در فراهم آوردن زبانی مشترک برای آغاز دوباره است. در سیاست خارجی، روایت مشترک می‌تواند هزینه روانی نزدیک شدن را کاهش دهد. وقتی طرف مقابل فقط با تصویر دشمن شناخته نشود، گفت‌وگو از نقطه مساعدتری آغاز می‌شود. «کوروش» در این معنا نام یک سرمایه نمادین است: یادآوری اینکه ایران می‌تواند در حافظه ملت دیگری با رهایی و بازسازی همراه باشد و همین ظرفیت را در سیاست آینده خود زنده کند.

روایت ابراهیمی نیز می‌تواند زبان دیگری برای همزیستی فراهم آورد. در سفر پیدایش، خانواده ابراهیم از «اور کلدانیان» به سوی کنعان حرکت می‌کند و در حرّان اقامت می‌گزیند؛ در همان سنت، اسماعیل و اسحاق از پسران ابراهیم‌اند و یعقوب فرزند اسحاق است. این روایت دینی را باید در همان جایگاه فهمید، نه به منزله مدرک خاستگاه ایرانی ابراهیم یا نسب‌شناسی ژنتیکی ملت‌های کنونی. ظرفیت سازنده آن برای این بحث، دعوت به خویشاوندی اخلاقی و گفت‌وگو است. [۴]

۳. پراکندگی، آزار و مسئله امنیت جمعی یهودیان

تاریخ پراکندگی یهودیان یک خروج واحد از یک نقطه به یک مقصد نیست. جوامع یهودی در دوره‌های مختلف در ایران، بین‌النهرین و حوزه مدیترانه زندگی کرده‌اند. شواهد باستان‌شناختی گردآوری شده در موزه متروپولیتن از حضور گسترده کنیسه‌ها در شهرهای امپراتوری روم حکایت دارد. تخریب معبد دوم به دست نیروهای رومی در سال ۷۰ میلادی، رخدادی بنیادین در حافظه یهودی بود، اما تمام این تاریخ پراکنده و چندمرکزی را نمی‌توان به آن فروکاست. استمرار جامعه یهودی در ایران نیز یکی از شاخه‌های مهم همین تاریخ است. [۵، ۱]

در اروپای قرون میانه، اقلیت یهودی بارها هدف اتهام‌زنی و خشونت قرار گرفت. ساموئل کوهن در پژوهش خود درباره مرگ سیاه، آزارهای سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۱ را بررسی می‌کند؛ در آن دوره، اتهام‌های بی‌اساسی مانند مسموم کردن آب و غذا به شکنجه و کشتار یهودیان انجامید. در دوره‌های بعد نیز پوگروم‌ها، یعنی حملات خشونت‌آمیز به جوامع یهودی، به‌ویژه در امپراتوری روسیه و اروپای شرقی، امنیت

آنان را تهدید می کردند. این نمونه ها نشان می دهند چگونه بحران عمومی می تواند با ساختن یک «مقصر هویتی» به سرکوب اقلیت تبدیل شود. [۶، ۷]

مسئله یافتن سرزمینی امن حتی در سیاست ملیت های شوروی نیز بازتاب یافت. نمونه مشخص آن، منطقه خودمختار یهودی پیروبیان در خاور دور شوروی است که در سال ۱۹۳۴، در دوره استالین، رسمیت یافت. این طرح را باید تجربه ای در چارچوب دولت شوروی دانست، نه تأسیس کشوری مستقل یا ابتکاری اجرا شده در دوره لنین. صرف طرح چنین برنامه ای نشان می دهد که مسئله امنیت، اسکان و خودسامانی یهودیان محدود به یک جریان سیاسی یا یک جغرافیا نبود. [۸]

هولوکاست نقطه ای هولناک در این تاریخ بود: حکومت آلمان نازی و متحدان و همدستانش شش میلیون یهودی اروپایی را به قتل رساندند. پس از جنگ، بسیاری از بازماندگان در اردوگاه های آوارگان ماندند؛ گروهی خواهان رفتن به فلسطین بودند و گروهی نیز ورود به ایالات متحده را دنبال می کردند. مهاجرت به آمریکای شمالی را باید در زمینه مهاجرت های دوران جدید فهمید، نه ادامه مستقیم و فوری جنگ های روم باستان. مسئله اصلی برای این انسان ها، امکان زندگی کردن بدون تهدید تکرار شونده طرد و نابودی بود. [۹]

جنبش سیاسی صهیونیسم پیش از جنگ جهانی دوم و در اواخر سده نوزدهم شکل گرفته بود. هولوکاست مسئله امنیت و پناهگاه یهودیان را فوریتی مضاعف بخشید، اما پیدایش اسرائیل حاصل مجموعه ای از تحولات پیشین و تصمیم های سیاسی بود. مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷، در قطعنامه ۱۸۱، تقسیم سرزمین تحت قیمومت بریتانیا به دو دولت یهودی و عربی را پیشنهاد کرد؛ اسرائیل در ۱۴ مه ۱۹۴۸ اعلام استقلال کرد. این تاریخ، هم اهمیت حق امنیت یهودیان را روشن می سازد و هم ضرورت صلحی را که امنیت و حقوق همسایگان، از جمله فلسطینیان، در آن جای داشته باشد. [۱۰، ۱۱]

۰۴. یهودیان ایرانی و میراث همکاری در دوران پهلوی

برای یافتن پیوند ایران و یهودیان، لازم نیست تنها به دربارهای باستان مراجعه کنیم. یهودیان ایرانی در زبان، موسیقی، فرهنگ و زندگی شهری کشور سهم داشته اند. سلیمان حیم، با فرهنگ های دوزبانه خود، نمونه ای شناخته شده از مشارکتی است که حاصلش به تمام فارسی زبانان تعلق دارد. چنین تجربه ای مرز ساده انگارانه «ما» و «آنها» را فرو می ریزد: یهودی ایرانی، بخشی از «ما» است. همین هم پوشانی هویت ها، از استوارترین دلایل امکان دوستی با جامعه اسرائیل و جوامع یهودی دیگر کشورهاست. [۱]

در دوران رضاشاه، اصلاحات دولتی و کاهش بخشی از محدودیت‌های حقوقی، دسترسی یهودیان به مدرسه، مشاغل عمومی و زندگی بیرون از محله‌های سنتی را گسترش داد. در دوران محمدرضاشاه، فرصت‌های آموزشی، حرفه‌ای و اقتصادی این جامعه بیشتر شد. پژوهش اورلی رحیمیان در ایرانیکا این دوره، به‌ویژه دهه‌های پایانی پهلوی، را از نظر تحرک اجتماعی و شکوفایی نهادهای یهودی مهم می‌داند. همین پژوهش از تداوم برخی تعصبات، تبلیغات ضدیهودی و فراز و فرودهای اجتماعی نیز سخن می‌گوید؛ بنابراین، این دوره را نباید تاریخی کاملاً عاری از تبعیض تصور کرد. ارزش این تجربه در نشان دادن ظرفیت توسعه ملی برای مشارکت اقلیت‌هاست؛ تجربه‌ای که می‌توان دستاوردهایش را در آینده با تضمین‌های دموکراتیک و حقوقی پایدار تکمیل کرد. [۱۲]

ایران در سال ۱۹۵۰ اسرائیل را به‌صورت دوفاکتو، یعنی در عمل و نه در قالب شناسایی کامل حقوقی، به رسمیت شناخت. در دهه‌های بعد، همکاری در تجارت، نفت، کشاورزی، امور فنی و امنیتی گسترش یافت و پرواز مستقیم نیز برقرار شد. انگیزه‌های ژئوپلیتیکی در این رابطه مؤثر بودند، اما همه آن را توضیح نمی‌دادند: تبادل کالا، تخصص و رفت‌وآمد، منافع عینی و تجربه‌آشنایی نیز ایجاد می‌کرد. از این سابقه می‌توان آموخت که همکاری آینده نباید فقط امنیتی یا پنهان باشد؛ می‌تواند علنی، قانون‌مند و متکی به رضایت عمومی شکل بگیرد. [۱۰]

انقلاب ۱۳۵۷ این مسیر روابط دولتی را قطع کرد. اعدام حبیب‌القائیان در ۹ مه ۱۹۷۹ به تشدید نگرانی و مهاجرت یهودیان ایران کمک کرد. مقصدهای مهاجرت تنها اسرائیل نبودند؛ ایالات متحده، به‌ویژه کالیفرنیا و نیویورک، نیز جایگاهی مهم داشت. حاصل انسانی این جابه‌جایی‌ها را می‌توان به فرصتی برای آینده تبدیل کرد: خانواده‌ها و متخصصانی که با فرهنگ ایران آشنا هستند، می‌توانند واسطه اعتماد، انتقال تجربه و بازپیوند فرهنگی باشند. احترام به هویت و انتخاب آنان باید مقدم بر هر انتظار سیاسی از این جامعه باشد. [۱]

۵. سکولاردموکراسی: مبنای اخلاقی یک رابطه نو

آینده مطلوب ایران باید از اصل روشنی آغاز شود: هیچ شهروندی نباید به سببِ باور یا بی‌باوری، در مرتبه‌ای پایین‌تر قرار گیرد. مسلمان، یهودی، مسیحی، زرتشتی، بهایی، بودایی و فرد بی‌دین باید بتوانند در یک کشور زندگی کنند، شغل و مقام عمومی داشته باشند و دربارهٔ سرنوشت سیاسی خود تصمیم بگیرند. سکولاردموکراسی در این معنا دشمن دین نیست؛ مانع تبدیل یک تفسیر دینی به معیار امتیاز و محرومیت شهروندان است. آزادی وجدان زمانی کامل است که هم آزادی دین داشتن را در بر گیرد و هم آزادی تغییر دین و دین‌داشتن را.

تمایز این الگو با ساختار جمهوری اسلامی، تمیزی نهادی است. اصل دوازدهم قانون اساسی، اسلام و مذهب جعفری دوازده‌امامی را رسمی و تغییرناپذیر اعلام می‌کند؛ اصل سیزدهم نیز فقط زرتشتیان، کلیمیان و مسیحیان را به عنوان اقلیت‌های دینی شناخته‌شده نام می‌برد. به رسمیت شناختن این سه جامعه، با بی‌طرفی دولت در برابر همهٔ باورها یکسان نیست. پیشنهاد این مقاله، گذار از «تحمل مشروط گروه‌ها» به «برابری بی‌قید شهروندان در حقوق بنیادین» است؛ اصلی که باید هم در سیاست داخلی و هم در رابطه با ملت‌های دیگر راهنما باشد. [۱۳]

از این منظر، ظرفیت‌های دموکراتیک اسرائیل برای گفت‌وگو اهمیت دارد. گزارش آزادی در جهان ۲۰۲۶ فریدم‌هاوس، اسرائیل را با امتیاز ۷۳ از ۱۰۰ در گروه «آزاد» قرار می‌دهد و نظام آن را دموکراسی پارلمانی چندحزبی توصیف می‌کند. این ارزیابی به محدودهٔ گزارش اسرائیل مربوط است؛ کرانهٔ باختری و غزه جداگانه سنجیده می‌شوند. همان گزارش، فشار بر استقلال قضایی و نابرابری‌های پایدار علیه برخی اقلیت‌ها را نیز مطرح می‌کند. برای ایران آینده، نکتهٔ الهام‌بخش، امکان رقابت سیاسی، پاسخ‌گویی و اصلاح نهادهاست. دوستی پایدار با یک کشور نیز به معنای تأیید بی‌قید تمام تصمیم‌های دولت‌های متغیر آن نیست؛ احترام و گفت‌وگوی انتقادی می‌توانند در کنار یکدیگر باشند. [۱۴]

برای من، به عنوان جراح تروما، ارزش رابطهٔ سیاسی در نهایت باید با اثری که بر زندگی انسان‌ها می‌گذارد سنجیده شود. این یک معیار اخلاقی است: سیاستی شایستهٔ دفاع است که انسان کمتری را مجروح، خانوادهٔ کمتری را داغدار و کودک را کمتر بی‌آینده کند. امنیت ایرانی و اسرائیلی نباید در برابر هم تعریف شود. همان منطقی که حق زندگی امن را برای این دو جامعه مطالبه می‌کند، باید آن را برای عرب‌ها، کردها و فلسطینیان نیز به رسمیت بشناسد. پیمان مطلوب، ائتلافی برای زندگی است، نه برای تعمیم دشمنی.

۶. منافع مکمل: از منابع طبیعی تا اقتصاد دانش

دوستی پایدار به برنامه مادی نیاز دارد. برآورد صندوق جمعیت سازمان ملل برای جمعیت ایران در سال ۲۰۲۵، ۹۲٫۴ میلیون نفر است. بانک جهانی نیز بر بازار داخلی بزرگ، نیروی کار آموزش دیده و نقش بخش نفت و گاز در اقتصاد ایران تأکید می کند. در سوی دیگر، گزارش اقتصادی ۲۰۲۵ سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، بخش فناوری پیشرفته و ظرفیت هوش مصنوعی اسرائیل را از عوامل مهم توان اقتصادی آن می داند. کنار هم قرار گرفتن این ویژگی ها، امکان مکمل بودن را مطرح می کند؛ نه آنکه به خودی خود موفقیت همکاری را تضمین کند. [۱۵، ۱۶، ۱۷]

آنچه می تواند ایرانیان و اسرائیلیان را در عرصه علم و کسب و کار به هم نزدیک کند، فرصت همکاری استعدادهاست. آموزش، مهارت، آزادی تحقیق، دسترسی به سرمایه و ثبات مقررات، موضوعات قابل برنامه ریزی اند. سخن گفتن از ظرفیت مشترک بهتر است بر این عوامل نهادی استوار باشد: دانشگاهی که امکان پژوهش دارد؛ کارآفرینی که با مقررات شفاف کار می کند؛ و متخصصی که به دلیل هویت یا عقیده کنار گذاشته نمی شود. این زبان، هم دقیق تر است و هم راه را برای مشارکت تمام گروه های جامعه باز می گذارد.

آب و کشاورزی می تواند یکی از محورهای آغازین باشد. اطلاعاتی سفر شاهزاده رضا پهلوی به اسرائیل در آوریل ۲۰۲۳، بررسی همکاری در فناوری آب و ملاقات با متخصصان کشاورزی را از اهداف سفر ذکر می کرد. در یک برنامه آینده، این جهت گیری می تواند به پروژه های مشترک درباره بازچرخانی آب، کاهش اتلاف، پایش مصرف و کشاورزی سازگار با کم آبی تبدیل شود. چنین طرح هایی باید با مطالعه اقلیمی، ارزیابی مستقل و مشارکت متخصصان ایرانی اجرا شوند؛ هدف، انتقال سنجیده دانش است، نه تصور وجود راه حل آماده برای همه مسائل ایران. [۱۸]

سلامت و پزشکی نیز زمینه ای انسانی برای اعتمادسازی است. پیشنهاد عملی، ایجاد شبکه های آموزشی و پژوهشی در درمان تروما، توان بخشی، مدیریت حوادث پرتلفات و فناوری های تشخیصی است. بورس تحصیلی، تبادل استاد و دوره های مشترک می تواند حتی پیش از شکل گیری پروژه های اقتصادی بزرگ، رابطه را ملموس کند. در طراحی این شبکه ها، استقلال حرفه ای، رضایت بیمار، محرمانگی داده و دسترسی عادلانه باید اصل باشد. دیپلماسی سلامت زمانی اعتبار می یابد که منفعت آن به بیمار برسد، نه آنکه صرفاً به نمایش تبلیغاتی تبدیل شود.

در افق وسیع‌تر، رابطه با آمریکا می‌تواند در چارچوبی مذاکره‌شده به دسترسی به سرمایه، بازار و همکاری دانشگاهی کمک کند. اما ایران نباید در یک مثلث پیشنهادی، فقط تأمین‌کننده مواد خام باشد. منفعت ملی در افزایش ارزش افزوده، رشد شرکت‌های داخلی و انتقال واقعی دانش است. قراردادهای شفاف، رقابت سالم، مقابله با فساد و نظارت عمومی باید از ابتدا جزئی از همکاری باشند. ایران قوی برای این مشارکت، ایران وابسته و فرمان‌بردار نیست؛ کشوری است که توان مذاکره و انتخاب مستقل دارد.

۰۷. از درس جنگ سرد تا ضرورت بازنگری سیاست اروپا

نقد راهبرد غرب در قبال اسلام‌گرایی، هنگامی استوارتر می‌شود که بر تصمیم‌های مشخص و پیامدهای نهادی متمرکز باشد. یادداشت ۲۶ دسامبر ۱۹۷۹ زیگنیو برژینسکی به جیمی کارتر، در واکنش به مداخله شوروی در افغانستان، افزایش حمایت مالی و تسلیحاتی از مقاومت و همکاری با کشورهای اسلامی را پیشنهاد می‌کرد. این سند نمونه‌ای روشن از وزن منطق ضدشوروی در سیاست‌گذاری آن دوره است. از چنین شواهدی می‌توان مسئله استفاده ابزاری از نیروهای مذهبی را بررسی کرد، بی‌آنکه همه تحولات منطقه را به یک نقشه واحد و همه دولت‌های غربی را به یک اراده فروکاست. [۱۹]

درس مورد نظر این مقاله آن است که هزینه بلندمدت تقویت اقتدارگرایی مذهبی نباید زیر سایه منفعت کوتاه‌مدت ژئوپولیتیکی قرار گیرد. اگر نیروهای سکولار، شهروندان مستقل و نهادهای مدنی فقط زمانی دیده شوند که با محاسبه امنیتی روز سازگارند، حمایت از دموکراسی به شعاری بی‌ثبات تبدیل می‌شود. این نقد متوجه یک مذهب یا مؤمنان آن نیست؛ متوجه سیاستی است که حقوق افراد را در برابر سود معامله با صاحبان قدرت، قابل چشم‌پوشی می‌سازد.

کشتار معترضان در ۸ و ۹ ژانویه ۲۰۲۶، برابر با ۱۸ و ۱۹ دی ۱۴۰۴، ضرورت این بازنگری را برجسته کرد. عفو بین‌الملل در گزارش ۸ ژوئیه ۲۰۲۶ از کشته‌شدن هزاران معترض و رهگذار در این دو روز و تداوم بحران مصونیت از مجازات سخن گفت. همان نهاد هشدار داد که تلاش برای توافق‌های سیاسی نباید مطالبه عدالت برای قربانیان را به حاشیه ببرد. در این چارچوب، نسبت دادن خواست آزادی ایرانیان به بازی قدرت‌های خارجی، پاسخ موجهی به حق اعتراض و زندگی آنان نیست. [۲۰]

در ارزیابی اروپا باید اقدام‌های واقعی را نیز دید: شورای اتحادیه اروپا در ۱۹ فوریه ۲۰۲۶، پس از توافق سیاسی ۲۹ ژانویه، سپاه پاسداران را رسماً در فهرست تروریستی قرار داد. مسئله راهبردی اکنون این است که این گونه اقدام‌ها به سیاستی پایدار برای حمایت از حقوق مردم پیوند بخورد. معیار موفقیت، صرفاً اعلام

محکومیت نیست؛ پیگیری پاسخ‌گویی، حمایت از جامعه مدنی، حفظ دسترسی آزاد به اطلاعات و حفاظت از مخالفان در معرض تهدید نیز باید در مرکز سیاست قرار گیرد. [۲۱]

اروپا می‌تواند شریک این آینده باشد، نه تماشاگر آن. بازنگری مطلوب به معنای مقابله با مسلمانان یا محدود کردن آزادی مذهبی نیست؛ به معنای تمایز روشن میان حق دینداری و پروژه تحمیل قدرت دینی است. ایرانی سکولار، زن خواهان برابری، شهروند بهایی، مسلمان منتقد و فرد بی‌دین باید همگی موضوع حمایت حقوقی یکسان باشند. سیاست خارجی دموکراتیک زمانی منسجم است که حق این انسان‌ها را با میزان نزدیکی یا دوری‌شان از آمریکا، اسرائیل، روسیه یا هر قدرت دیگری اندازه نگیرد.

۸. از پیمان‌های ابراهیم تا چشم‌انداز پیمان کوروش

اعلامیه پیمان‌های ابراهیم در سال ۲۰۲۰، بر همزیستی، کرامت انسانی، آزادی دینی، گفت‌وگوی بین‌فرهنگی و همکاری در علم، هنر، پزشکی و تجارت تأکید می‌کند. اهمیت این زبان در آن است که رابطه با اسرائیل را از چارچوب دشمنی گریزناپذیر بیرون می‌آورد و به حوزه انتخاب سیاسی و منفعت مشترک می‌برد. درس قابل‌گسترش برای ایران نیز همین است: اختلاف‌های تاریخی نباید به تعهدی ابدی برای ادامه خصومت تبدیل شوند. صلح را می‌توان به مجموعه‌ای از مناسبات قابل‌ساختن تبدیل کرد. [۲۲]

شاهزاده رضا پهلوی در سخنرانی ۲۶ مه ۲۰۲۵ با عنوان «راهی به سوی پیمان کوروش»، پیوند ایرانیان و یهودیان را فراتر از دیپلماسی مقطعی توصیف کرد و آن را به چشم‌انداز همکاری ملت‌های آزاد پیوند زد. در این نوشتار، «پیمان کوروش» نام همین افق پیشنهادی برای رابطه ایران پس از جمهوری اسلامی با اسرائیل و منطقه است؛ در این مقاله ادعای وجود معاهده‌ای امضا شده و لازم‌الاجرا میان دولت ایران و اسرائیل مطرح نمی‌شود. تمایز پیشنهاد و واقعیت، به این اندیشه قدرت اجرایی می‌دهد: چشم‌انداز باید به تعهدها، نهادها و مراحل روشن تبدیل شود. [۲۳]

ارتقای منطق پیمان ابراهیم به پیمان کوروش، از نگاه این مقاله، افزودن ایران آزاد به معماری صلح منطقه‌ای است، نه جایگزین کردن یک محور خصومت با محوری دیگر. ایران، اسرائیل و آمریکا می‌توانند هسته یک چارچوب همکاری باشند، اما این چارچوب باید برای مشارکت کشورهای عربی و دیگر همسایگان نیز گشوده بماند. کردها، عرب‌ها، ایرانیان، یهودیان و دیگر مردمان منطقه، با هویت‌های متنوع و گاه هم‌پوشان، باید از کاهش تنش سود ببرند. صلح گسترده با تأمین حقوق و امنیت فلسطینیان سازگار است و از بهبود آن نیز نیرو می‌گیرد.

مبنای چنین ترتیبی باید حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، خودداری از مداخله در انتخاب سیاسی مردم و حل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها باشد. هیچ کشوری نباید برای دوستی با دیگری، اختیار سیاست خارجی خود را واگذار کند. به همین دلیل، رابطه پیشنهادی با آمریکا و اسرائیل نیز نباید به دشمنی اجباری با اروپا یا سایر کشورها بینجامد. معیار، شراکتی انتخابی و قابل‌ارزیابی است که امنیت را از یک رقابت ویرانگر به زمینه‌ای برای رفاه عمومی تبدیل کند.

۹. از فرصت تاریخی تا برنامه عملی

روزنه تاریخی فقط با امید و شعار به نتیجه نمی‌رسد؛ باید به ظرفیت سیاسی و نهادی تبدیل شود. مرحله نخست، ساختن اعتماد میان ایرانیان متعهد به آزادی و صورت‌بندی تعهدی روشن به رأی مردم و برابری شهروندان است. حمایت بین‌المللی زمانی سازنده است که این عاملیت ایرانی را تقویت کند، نه آنکه جانشین آن شود. هیچ شریک خارجی نمی‌تواند به جای مردم ایران، مشروعیت نظم آینده را تأمین کند.

مرحله بعد، تدوین مسیر علنی و پاسخ‌گوی عادی‌سازی است. دولت برخوردار از مشروعیت دموکراتیک می‌تواند شناسایی متقابل، روابط کنسولی، تسهیل دیدارهای خانوادگی و همکاری‌های دانشگاهی و اقتصادی را در چارچوب قانون پیگیری کند. بررسی عمومی قراردادها، نظارت پارلمانی و مشارکت متخصصان باید مانع شود که رابطه تازه به توافق محرمانه حلقه‌ای محدود از صاحبان قدرت تقلیل یابد. دوستی‌ای که مردم نتوانند درباره آن پرسش کنند، پشتوانه اجتماعی محکمی نخواهد داشت.

برای آنکه وعده صلح قابل‌سنجش باشد، می‌توان پروژه‌های اولیه را با هدف‌های محدود آغاز کرد: یک برنامه مشترک آموزشی در سلامت، یک طرح آزمایشی مدیریت آب، یک شبکه تبادل پژوهشگر و یک سازوکار تسهیل ارتباط خانواده‌ها. تعداد همکاری‌های پایدار، میزان انتقال مهارت، دسترسی عادلانه و منافع قابل مشاهده برای شهروندان، معیارهای بهتری از شمار مراسم و بیانیه‌ها هستند. اعتماد عمومی از تجربه موفق همکاری ساخته می‌شود؛ نه از تکرار این ادعا که اعتماد از پیش وجود دارد.

در این مسیر، مفهوم «ایران قوی» نیز باید روشن باشد. قدرت فقط انباشت ابزار نظامی نیست؛ توان نگهداشتن استعدادها، تأمین آب و انرژی، حفاظت از جان شهروندان و ایجاد امید به آینده است. اسرائیل امن و پیشرفته نیز می‌تواند از همسایگی منطقه‌ای کم‌تنش تر سود ببرد. هدف همکاری، افزودن به توان زندگی مردم است. هنگامی که دانشجو، پزشک، کشاورز و کارآفرین منفعت رابطه را در زندگی روزمره ببینند، صلح از تصمیم نخبگان به دارایی جامعه تبدیل می‌شود.

۹.۱. مرحله نخست: آماده‌سازی مدنی و کارشناسی

پیش از هر توافق دولتی، باید بتوان دربارهٔ صلح بدون اجبار و بدون هراس گفت‌وگو کرد. دانشگاهیان، پزشکان، پژوهشگران آب، اقتصاددانان و متخصصان حقوق می‌توانند مسائل مشترک را تعریف کنند و پیشنهادهای خود را در معرض نقد بگذارند. این مرحله قرار نیست برای کسی اختیار نمایندگی کل ملت ایجاد کند. نتیجه مفید آن، روشن‌شدن هزینه‌ها، نیازها و ظرفیت‌هاست: چه دانشی در ایران وجود دارد، کجا همکاری خارجی کمک می‌کند و کدام پروژه از ابتدا توجیه اقتصادی یا اجتماعی ندارد؟

مشارکت ایرانیان خارج از کشور باید داوطلبانه، شفاف و متناسب با تخصص آنان باشد. حضور فردی در یک نشست، عضویت در یک جامعه مذهبی یا پیوند خانوادگی با اسرائیل، مجوز نسبت دادن موضع سیاسی به او نیست. همچنین نمی‌توان از افراد داخل ایران خواست برای اثبات وفاداری به صلح، امنیت خود و خانواده‌شان را به خطر بیندازند. شبکه اعتماد زمانی اعتبار دارد که حق سکوت، اختلاف و نگاره‌گیری را هم به رسمیت بشناسد.

۹.۲. مرحله دوم: تثبیت گذار و آغاز رابطه رسمی

در سناریوی گذار دموکراتیک، اولویت اداره کشور باید حفظ خدمات عمومی، امنیت شهروندان و تداوم مسئولان نهادهای ضروری باشد. عادی‌سازی رابطه می‌تواند هم‌زمان پیگیری شود، اما نباید جای تأمین آب، برق، دارو و معیشت را بگیرد. یک مرجع قانونی و پاسخ‌گو باید حدود اختیار مذاکره‌کنندگان، هزینه‌های توافق و شیوه اطلاع‌رسانی را مشخص کند. توافقی‌هایی که تعهد بلندمدت ایجاد می‌کنند، باید مطابق قواعد قانون اساسی و با امکان نظارت نهادهای منتخب تصویب شوند.

توالی پیشنهادی می‌تواند از اعلام روشن قصد رابطه مسالمت‌آمیز به ایجاد کانال رسمی گفت‌وگو، رسیدگی به امور کنسولی و سپس مذاکره دربارهٔ شناسایی و همکاری برسد. سرعت هر گام باید تابع شرایط واقعی و توان اداری باشد. عادی‌سازی به تنهایی تحریم‌ها، محدودیت‌های بانکی، مسائل بیمه یا اختلاف‌های قراردادی را رفع نمی‌کند؛ هر کدام به مذاکره، ارزیابی و ترتیبات جداگانه نیاز دارد. موفقیت با توان اجرای تعهدها سنجیده می‌شود، نه با شتاب اعلام آنها.

۹.۳. مرحله سوم: پروژه‌های کوچک با منفعت عمومی

در حوزه سلامت، یک پروژه نخستین می‌تواند دوره مشترک آموزش تروما و توان بخشی باشد: با مسئول علمی مشخص، بودجه اعلام شده و ارزیابی مهارت فراگیران. انتقال اطلاعات بیمار باید تنها در چارچوب

رضایت آگاهانه، حفاظت داده و تأیید اخلاقی متناسب صورت گیرد. در حوزه آب نیز می‌توان یک طرح محدود برای کاهش اتلاف یا بازچرخانی را آغاز کرد؛ با خط پایه، هدف روشن و سنجش هزینه. این مثال‌ها پیشنهادند و درباره اثربخشی یک مداخله پزشکی یا فناوری معین ادعای قطعی نمی‌کنند.

هر پروژه باید یک مسئله قابل تعریف را حل کند. قرارداد روشن، خرید رقابتی، امکان بازرسی و انتشار نتایج ناموفق به اندازه نتایج موفق اهمیت دارند. اگر طرح آزمایشی به هدف نرسید، باید اصلاح یا متوقف شود؛ اعتبار سیاسی یک رابطه نباید مانع داور کارشناسی باشد. توسعه همکاری فقط وقتی موجه است که منفعت آن برای شهروندان و تناسب هزینه‌اش نشان داده شود.

۹.۴. مرحله چهارم: گسترش همکاری و ارزیابی مستقل

پس از تجربه موفق پروژه‌های نخستین، همکاری می‌تواند به پژوهش، تجارت، گردشگری فرهنگی و سرمایه‌گذاری مشترک گسترش یابد. پیش‌شرط این مرحله، مقررات قابل فهم، امکان حل اختلاف و حمایت برابر از طرف‌های قرارداد است. گزارش دوره‌ای باید نشان دهد چه تعداد متخصص آموزش دیده‌اند، چه مهارتی منتقل شده، چه ارزش افزوده‌ای در ایران ایجاد شده و سهم مناطق و گروه‌های کم‌برخوردار از منفعت همکاری چقدر است. گزارش باید به نهادی مستقل از مجریان نیز امکان ارزیابی بدهد.

برای این مراحل نمی‌توان از اکنون تقویمی قطعی تعیین کرد. پیشرفت باید به تحقق شرط‌های روشن وابسته باشد: مشروعیت قانونی، ظرفیت اجرایی، امنیت انسانی و نتایج قابل سنجش. هدف‌های بلندپروازانه بدون این شرط‌ها، اعتماد را فرسوده می‌کنند. سیاست نتیجه‌گرا به مردم می‌گوید چه چیزی ممکن است، چه چیزی هنوز معلوم نیست و چه شواهدی تصمیم بعدی را توجیه خواهد کرد.

۱۰. از نماد تاریخی به نهاد پاسخ‌گو

نام کوروش می‌تواند آغاز گفت‌وگو باشد، اما یک پیمان معتبر به تعهد روشن نیاز دارد. منشور سازمان ملل در ماده دوم بر برابری حاکمیتی دولت‌ها، حل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها و خودداری از تهدید یا توسل به زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی کشورها تأکید می‌کند. پیشنهاد این مقاله آن است که این اصول، مبنای حقوقی رابطه آینده باشند و در متن هر چارچوب همکاری بازتاب پیدا کنند. استفاده از میراث باستانی نباید جای قواعد روشن دنیای امروز را بگیرد. [۲۴]

یک چارچوب قابل بحث می‌تواند شامل اصول مشترک، سازوکار هماهنگی دیپلماتیک، کارگروه‌های تخصصی و شیوه حل اختلاف باشد. کارگروه‌های سلامت، آب، آموزش و تجارت باید شرح وظیفه و مسئولیت مشخص داشته باشند. گزارش فعالیت و هزینه‌ها باید در حدی که به حریم خصوصی و امنیت مشروع آسیب نمی‌زند، عمومی باشد. هر استثنا در محرمانگی باید محدود، توضیح‌پذیر و قابل بازبینی بماند؛ محرمانگی نامحدود، اعتماد عمومی را جایگزین نمی‌کند.

حمایت از همکاری اقتصادی با واگذاری بی‌قید اختیار تفاوت دارد. قراردادها باید درباره مالکیت فکری، آموزش نیروی ایرانی، رقابت، حفاظت داده، حقوق کارکنان و مسئولیت محیط‌زیستی روشن باشند. وابستگی یک خدمت حیاتی به تنها یک تأمین‌کننده باید ارزیابی شود. سیاست مناسب، ساختن توان داخلی و تنوع شریک‌هاست؛ ایران باید بتواند با اسرائیل، آمریکا، اروپا و همسایگان، بر اساس منفعت ملی و قواعد یکسان همکاری کند.

امنیت شهروندان نیز باید بخشی از طراحی رابطه باشد. یهودی‌ستیزی، نفرت علیه مسلمانان و نسبت دادن مسئولیت یک دولت به تمام پیروان یک دین، اعتماد را تخریب می‌کنند. در عین حال، نقد سیاست دولت‌های ایران، اسرائیل یا هر کشور دیگری باید آزاد بماند. معیار مرزبندی، رفتار و استدلال است: نقد تصمیم سیاسی با تحقیر هویت، تهدید انسان‌ها یا محروم کردن گروهی از حقوق برابری نیست.

۱۱. موانع، پرسش‌های دشوار و معیار واقع‌بینی

۱۱.۱. آیا دوستی با اسرائیل استقلال ایران را تضعیف می‌کند؟

هیچ دوستی‌ای به خودی خود استقلال را تضمین یا نفی نمی‌کند؛ ساختار رابطه تعیین‌کننده است. رابطه‌ای مبتنی بر قرارداد شفاف، اختیار مذاکره، تنوع شریک‌ها و نظارت عمومی می‌تواند به ظرفیت ملی بیفزاید. رابطه‌ای که اختیار تصمیم را به حلقه‌ای محدود یا به یک قدرت خارجی منتقل کند، حتی اگر با زبان دوستی معرفی شود، آسیب‌پذیر است. دفاع از پیمان کوروش باید دفاع از شراکت برابر باشد، نه مطالبه اطاعت سیاسی.

۱۱.۲. حقوق فلسطینیان در این چشم‌انداز چه جایگاهی دارد؟

پاسخ باید روشن باشد: حق امنیت و کرامت، برای اسرائیلی و فلسطینی هم‌زمان معتبر است. حمایت از رابطه ایران و اسرائیل، تعهد اخلاقی به حفاظت از غیرنظامیان و احترام به حقوق انسان‌ها را از میان نمی‌برد. ایران

آینده می‌تواند ضمن عادی‌سازی، از راه‌حلی مذاکره‌شده برای صلح و از تعیین آزادانه سرنوشت فلسطینیان حمایت کند. دوستی پایدار با اسرائیل باید امکان گفت‌وگوی انتقادی و مخالفت با نقض حقوق را حفظ کند؛ همان معیاری که درباره هر دولت دیگری نیز به کار می‌رود.

۱۱۰۳. آیا جامعه ایران درباره این رابطه هم‌نظر است؟

این مقاله ادعای وجود اجماع یا ارائه نظرسنجی نمایندۀ کل جامعه را ندارد. استقبال گروهی از ایرانیان از اسرائیل، به تنهایی میزان حمایت ملی را تعیین نمی‌کند. در فضایی آزاد باید امکان بیان دیدگاه‌های موافق و مخالف، بررسی داده‌های معتبر و پرسش از مذاکره‌کنندگان وجود داشته باشد. مخالفت با یک قرارداد نباید خیانت تلقی شود، همان‌گونه که حمایت از عادی‌سازی نیز نباید دلیل محرومیت مدنی باشد. مشروعیت سیاست خارجی از امکان داوری و انتخاب مردم تقویت می‌شود.

۱۱۰۴. خطر شکست اعتماد و تغییر دولت‌ها چیست؟

دولت‌ها تغییر می‌کنند و منافع شریک‌ها نیز همیشه یکسان نمی‌ماند. یک حادثۀ امنیتی، شکست پروژه، فساد قراردادی یا اختلاف سیاسی می‌تواند اعتماد را تضعیف کند. پاسخ معقول، ساختن رابطه‌ای چندلایه است: کانال دیپلماتیک برای مهار بحران، نهاد حل اختلاف برای قراردادهای پیوندهای دانشگاهی و اجتماعی برای ادامه گفت‌وگو. توافق باید مسیر بازبینی و خاتمه قانونی تعهدها را روشن کند تا اختلاف، به اجبار دائمی یا خصومت فوری تبدیل نشود.

در نهایت، میراث مشترک نمی‌تواند ناتوانی اجرایی، فساد یا تبعیض را جبران کند. اگر منفعت همکاری فقط به اقلیتی برخوردار برسد، یا وعده‌های اقتصادی فراتر از توان واقعی باشند، سرمایه‌نمادین نیز فرسوده می‌شود. واقع‌بینی یعنی امکان دوستی را جدی بگیریم، اما موفقیت آن را مشروط به قانون، کیفیت اجرا و منفعت عمومی بدانیم. پیمان خوب باید بتواند در برابر پرسش، نقد و تغییر شرایط دوام بیاورد.

۱۲. نتیجه‌گیری: دوستی‌ای که پس از دشمنی نیز معنا دارد

رابطه مطلوب ایران و اسرائیل را نباید به دشمنی مشترک با جمهوری اسلامی فروکاست. میراث کوروش، زندگی یهودیان ایرانی، سابقه همکاری دو کشور و امکان پیوند توان انسانی و اقتصادی، مواد اولیه رابطه‌ای عمیق‌تر را فراهم می‌کنند. این پیشنهادها تضمین خودکار دوستی نیستند، اما نشان می‌دهند که برای ساختن آن لازم نیست از نقطه صفر آغاز کنیم. دشمنی می‌تواند انگیزه‌ای برای نزدیک شدن باشد؛ آنچه رابطه را نگه می‌دارد، منفعت متقابل و احترام به آزادی است.

برای من، حمایت از دوستی ایران و اسرائیل بخشی از دفاع از ایرانی است که در آن هیچ‌کس به خاطر دین، تبار یا بی‌باوری، بیگانه وطن خود نباشد. پیمان کوروش زمانی شایسته این نام خواهد بود که حافظه‌های را به امنیت امروز، و زبان همزیستی را به نهادهای فردا تبدیل کند. این چشم‌انداز، ایرانی آزاد و قدرتمند، اسرائیلی امن، روابط سازنده با آمریکا و مشارکتی مسئولانه از سوی اروپا و همسایگان را در کنار هم می‌بیند. مقصد، صرفاً پایان یک دشمنی نیست؛ ساختن منطقه‌ای است که مردم آن بتوانند به جای آماده شدن برای بحران بعدی، برای زندگی بهتر برنامه‌ریزی کنند.

منابع و مآخذ

منابع به ترتیب نخستین ارجاع در متن شماره گذاری شده‌اند؛ منابع تکمیلی یک موضوع زیر همان شماره آمده‌اند. عنوان‌های انگلیسی به صفحه منبع پیوند دارند. تاریخ بازبینی منابع اینترنتی: ۶ اکتبر ۲۰۲۶.

[۱] تاریخ و حضور اجتماعی یهودیان ایران؛ با منبع تکمیلی درباره سلیمان حیم

Sarshar, H. (2009; updated 2018). *Judeo-Persian Communities i. Introduction*. Encyclopaedia Iranica, XV(1), 89–90.

[Netzer, A. \(2002; updated 2013\). Haim, Solaymān. Encyclopaedia Iranica, XI\(5\), 544.](#)

[۲] کوروش، بابل و استوانه کوروش

J. Paul Getty Museum (2013). *The Cyrus Cylinder and Ancient Persia: A New Beginning*. Getty Villa exhibition resource.

[۳] کتاب عزرا، باب ۱، آیات ۱ تا ۴؛ روایت دینی فرمان بازگشت

The Holy Bible (NIV, 2011). *Ezra 1:1–4*. Biblica; text hosted by Bible Gateway. Religious primary text.

[۴] سفر پیدایش؛ روایت ابراهیم، اسحاق، اسماعیل و یعقوب

The Holy Bible (NIV, 2011). *Genesis 11:27–32; 25:9, 19–26*. Biblica; text hosted by Bible Gateway. Religious primary text. Additional passage: *Genesis 25*.

[۵] جوامع یهودی در روزگار روم و بیزانس

Boehm, B. D., & Holcomb, M. (2008). *Jewish Art in Late Antiquity and Early Byzantium*. Heilbrunn Timeline of Art History. The Metropolitan Museum of Art.

[۶] مرگ سیاه و آزار یهودیان؛ استناد به گزیده در دسترس ناشر

Cohn, S. K., Jr. (2007). *The Black Death and the Burning of Jews*. Past & Present, 196(1), 3–36. DOI: 10.1093/pastj/gtm005. Publisher extract consulted.

[۷] تعریف و تاریخ پروگروم‌ها

United States Holocaust Memorial Museum (n.d.). *Pogroms*. Holocaust Encyclopedia.

[۸] بیروبیجان؛ استناد به چکیده پژوهش در صفحه ناشر

[Vitale, A. \(2021\). The Jewish Autonomous Region of Birobidzhan in Siberia. European Spatial Research and Policy, 28\(1\), 161–184. DOI: 10.18778/1231-1952.28.1.08. Publisher abstract consulted.](#)

[۹] هولوکاست و وضعیت بازماندگان آواره

United States Holocaust Memorial Museum (n.d.). *Introduction to the Holocaust*. Holocaust Encyclopedia. [United States Holocaust Memorial Museum \(n.d.\). The Survivors. Holocaust Encyclopedia. Supporting source on displaced survivors and migration.](#)

[۱۰] تاریخ روابط ایران و اسرائیل

Menashri, D., & Parsi, T. (2007; updated 2016). *Israel i. Relations with Iran*. Encyclopaedia Iranica, XIV(2), 213–223.

[۱۱] قطعنامه تقسیم و تشکیل دولت اسرائیل

U.S. Department of State, Office of the Historian (n.d.). [Creation of Israel, 1948](#). Milestones in the History of U.S. Foreign Relations.

[۱۲] وضعیت یهودیان ایران در دوران پهلوی

Rahimiyan, O. R. (2009; updated 2018). [Judeo-Persian Communities vi. The Pahlavi Era \(1925–1979\)](#). *Encyclopaedia Iranica*, XV(2), 124–132.

[۱۳] اصول دوازدهم و سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی

Islamic Republic of Iran (1979; revised 1989). [Constitution, Articles 12–13](#). English text reproduced by the Constitute Project.

[۱۴] ارزیابی حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی اسرائیل

Freedom House (2026). [Israel: Freedom in the World 2026](#). Country report; West Bank and Gaza are assessed separately.

[۱۵] برآورد جمعیت ایران در سال ۲۰۲۵

United Nations Population Fund (2025). [Iran, Islamic Republic of Population 2025](#). World Population Dashboard. Total population: 92,400,000.

[۱۶] ساختار اقتصادی، منابع و ظرفیت نیروی انسانی ایران

World Bank (n.d.). [Islamic Republic of Iran: Overview](#). Country overview; continuously updated webpage.

[۱۷] گزارش اقتصادی اسرائیل و ظرفیت فناوری‌های پیشرفته

OECD (2025). [OECD Economic Surveys: Israel 2025](#). OECD Publishing, Paris. DOI: 10.1787/d6dd02bc-en.

[۱۸] اطلاعیه سفر و اهداف همکاری علمی و محیط‌زیستی

Pahlavi, R. (2023, April 16). [Historic Visit to Israel](#). Official website; announcement of the visit and its objectives.

[۱۹] سند رسمی سیاست آمریکا در قبال افغانستان و مداخله شوروی

Brzezinski, Z. (1979, December 26). [Memorandum to President Carter: Reflections on Soviet Intervention in Afghanistan](#). Foreign Relations of the United States, 1977–1980, Vol. XII, Afghanistan, Document 97. Office of the Historian.

[۲۰] کشتار ۸ و ۹ ژانویه ۲۰۲۶ و مطالبه پاسخ‌گویی

Amnesty International (2026, July 8). [Iran: Lack of international justice six months after January protest massacres risks further atrocity crimes](#). Research-based public statement on the January 2026 protest killings and accountability.

[۲۱] تصمیم رسمی اتحادیه اروپا درباره سپاه پاسداران

Council of the European Union (2026, February 19). [EU terrorist list: Council designates the Islamic Revolutionary Guard Corps as a terrorist organisation](#). Official press release.

[۲۲] متن اصلی اعلامیه پیمان‌های ابراهیم

United States, Israel, United Arab Emirates, and Bahrain (2020, September 15). [The Abraham Accords Declaration](#). Signed declaration. Archived White House document.

[۲۳] متن سخنرانی شاهزاده رضا پهلوی درباره چشم‌انداز پیمان کوروش

Pahlavi, R. (2025, May 26). [A Path to the Cyrus Accord](#). Speech transcript, official website. Primary source for the proposed vision.

[۲۴] اصول حاکمیت برابر و حل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها

[United Nations \(1945\). Charter of the United Nations, Article 2\(1\)–\(5\). Repertory of Practice of United Nations Organs, Office of Legal Affairs.](#)